

الگوی تقوآمداری بر طلاق زوجین بر اساس تحلیل مضمون سوره طلاق

فرشته معتمد لنگرودی^۱

فاطمه علایی رحمانی^۲

زینب متولی امامی^۳

چکیده

تبیین احکام طلاق، یکی از مباحث محوری در آیات قرآن کریم است که بخشی از آن در سوره طلاق بیان شده است. موضوع این مقاله، رصد مضامین سوره طلاق، به روش مطالعات بین‌رشته‌ای «تحلیل مضمون» است که مضامین پایه و سازمان‌دهنده این سوره را شرح می‌دهد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که خداوند متعال ضمن تشریح احکام طلاق در این سوره، سازه اخلاقی و رفتاری با عنوان «تقوا» را به بندگان سفارش کرده است، به گونه‌ای که این مضمون در سراسر سوره وجود دارد. مضامین این سوره، در قالب ۵ مضمون سازمان‌دهنده شامل: «الزام به تقوآمداری»، «رعایت احکام طلاق»، «مبانی الزام به احکام طلاق و تقوآمداری»، «تأکید بر اخلاق و تطبیف در احکام طلاق» و «تهدید معاندان و بشارت به مؤمنان» بررسی می‌شود. لذا هدف سوره طلاق، تنها بر لزوم اجرای احکام طلاق نیست؛ بلکه این سوره، ضمن بیان احکام طلاق، درصدد است تا نگرش و اخلاق افراد را در موضوع تنش‌زای طلاق ارتقا بخشد تا با داشتن تقوا به کنترل درونی و خودنظم‌دهی خویش بپردازند و در نتیجه آن، جامعه سالم، با امنیت و به دور از خشونت را برای یکدیگر به ارمغان آورند.

واژگان کلیدی: سوره طلاق، طلاق، تقوا، خودکنترلی، حقوق زوجین، تحلیل مضمون.

۱. پژوهشگر سادکتی گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه الزهراء (ع) تهران؛

f.motamad@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه الزهراء (ع) تهران؛ f.alaei@alzahra.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع)؛ zeynab.m.emami@gmail.com

۱. بیان مسئله

ازدواج قراردادی میان زوجین است که امکان جدایی در این امر نیز وجود دارد؛ زیرا گاه عللی پیش می‌آید که زندگی مشترک زن و مرد را با هم غیرممکن و یا طاقت فرسا می‌کند. آموزه‌های دینی، با اصل موضوع طلاق موافق است؛ اما در این زمینه به بیان سفارش‌هایی می‌پردازد که احتمالاً طلاق را کم می‌کند؛ زیرا طلاق آسیب‌هایی عاطفی، اجتماعی، جسمی و روانی برای نظام خانواده، به ویژه فرزندان، به همراه دارد.

در روایات، طلاق شدیداً مذمت و مبعوض‌ترین حلال‌ها (حزاعلی، ۱۴۰۹: ۸/۲۲) و نیز، سبب به لرزه درآمدن عرش الهی معرفی شده است. (همان) در قرآن، سوره طلاق، به طور ویژه، به احکام طلاق و توصیه‌های اخلاقی در این موضوع می‌پردازد و راهکارهایی مفید و سازنده، جهت حفظ کانون خانواده و جلوگیری از فروپاشی و تزلزل آن ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین موضوعات این سوره، موضوع «تقوا»، معادل واژه «خودکنترلی» در علوم اجتماعی؛ و آن، مراقبتی درونی است که براساس آن، وظایف محول، انجام و رفتارهای نابهنجار و غیرارزشی ترک می‌شوند. در واقع، خودکنترلی، نوعی مدیریت بر خویشتن است که نقش سازنده‌ای در تعالی خانواده و جامعه دارد و به نوعی، با اخلاق نابهنجار مقابله می‌نماید؛ زیرا افراد را، با خودنظم‌بخشی و پیروی از وجدان، به رفتار اخلاق‌مدارانه سوق می‌دهد. اینکه خداوند متعال موضوع طلاق زوجین را - که میان آنان تنش و بعضاً خشونت برقرار است - با تأکید در سوره یادشده بیان کرده، موضوعی در خور اهتمام است.

از سوی دیگر، امروزه لزوم تبیین هرچه دقیق‌تر مبانی قرآنی در حوزه نظام خانواده، بیش از پیش، احساس می‌شود تا بدین وسیله، شبکه مفهومی ویژه آن بیان شود و جامعه اسلامی، با کاربست آن، به جامعه قرآنی نزدیک شود. از این رو، پژوهش حاضر، به منظور تبیین اثر تقوا و خودکنترلی بر طلاق، با روش بین‌رشته‌ای «تحلیل مضمون»، آموزه‌های سوره طلاق و چگونگی الزام به تقوا در موضوع طلاق زوجین را بررسی می‌کند.

شایان ذکر است در این پژوهش، تحلیل مضمون سوره طلاق و فراوانی آن‌ها بررسی شده و در آن، به جای مسائل فقهی طلاق، مضامین آن و ارتباط آیات با موضوع تقوا در طلاق زوجین مورد توجه قرار گرفته است.



۲. پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره سوره طلاق و توجه به این سوره از زوایای مختلف، در بررسی پیشینه این پژوهش، هیچ اثری که با تمرکز بر سوره طلاق و با استفاده از روش تحلیل کیفی «تحلیل مضمون» باشد، یافت نشد. در این بخش، مهم‌ترین آثار در پیشینه موضوع مقاله ارائه می‌شود:

در برخی آثار معاصران، سوره طلاق به روش‌های توصیفی مورد تبیین قرار گرفته است: کلانتری و لایقی (۱۳۹۹ش) در مقاله «راهکارهای مقابله با فروپاشی کانون خانواده در آموزه‌های قرآن کریم (با تکیه بر آیات سوره طلاق)» به راهکارهای کنشی، بینشی و گرایش‌های مقابله با فروپاشی خانواده از جمله، حضور زن در منزل در عده طلاق، حضور دو شاهد عادل ناظر بر وقوع طلاق و غیره می‌پردازند؛ حیدر جعفری (۱۳۹۹ش) در پایان‌نامه «طلاق و ویژگی‌های آن در سوره طلاق در مهم‌ترین تفاسیر فریقین»، در بخشی، به بررسی محتوای سوره طلاق در تفاسیر شیعه و سنی پرداخته است. مزین (۱۳۹۸ش) در پایان‌نامه «بررسی ارتباط آیات هر یک از سوره‌های طلاق و تحریم» تناسب آیات سوره طلاق را، تحت محور اصلی «حفظ نظام خانواده با تکیه بر رعایت حقوق بانوان» بیان کرده است.

۳. روش پژوهش

محققان علوم اجتماعی و انسانی اغلب روش «تحلیل مضمون»^۱ را برای شناسایی الگوهای کیفی و کلامی به کار می‌گیرند. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی بدل می‌کند. (Braun and Clarke, 2006: 80) در تحلیل مضمون، پژوهشگر به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است که با سنجش فراوانی واژگان (مفاهیم) به دست می‌آید. این روش، براساس یک رویه مشخص و در سه سطح، مضامین را نظام‌مند می‌کند که عبارتند از: ۱. مضامین پایه شامل کدها و نکات کلیدی موجود در متن؛ ۲. مضامین سازمان‌دهنده که از ترکیب و تلخیص مضامین پایه به دست می‌آیند؛ ۳. مضامین فراگیر که همان

۱. Thematic analysis

مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل هستند. با تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و در نهایت با تحلیل آن‌ها مفاهیم کلیدی استخراج و مدل تبیین می‌گردد. (Attride-Stirling, 2001: 389). این فرآیند را می‌توان در قالب شکل و مراحل ذیل نشان داد:



نمودار ۱: ساختار یک شبکه مضامین (Attride-Stirling, ۲۰۰۱: ۳۸۸)

۴. معرفی سوره طلاق

سوره طلاق، با توجه به سیاق آیاتش، در مدینه نازل شده است. در ترتیب نزول، نود و ششمین سوره نازل شده بعد از سوره انسان و قبل از سوره بینه، در ترتیب مصحف، شصت و پنجمین سوره بعد از سوره تغابن و قبل از سوره تحریم قرار دارد. تعداد آیات این سوره ۱۲ آیه است. نام دیگر آن، سوره «نساء قصری» در مقابل سوره نساء است که «نساء کبری» می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۵۴/۱۰).

موضوع این سوره بیان قوانین طلاق و دفاع از حقوق زنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۹۴/۲۱) و هفت آیه نخست آن، پیرامون موضوع طلاق و احکام آن است. بخش دیگر سوره، عاقبت دو گروه را بیان می‌کند؛ گروه نخست کسانی که دستورات الهی را نافرمانی کردند و به عذاب سختی گرفتار شدند، گروه دوم کسانی که با عمل صالح و تبعیت از فرامین پیامبران، مشمول هدایت‌های ویژه الهی و نعمت‌های بهشتی قرار گرفته‌اند.

۵. تحلیل مضمون سوره طلاق

۱-۵. مرحله اول؛ تجزیه متن و استخراج مضامین پایه

در مرحله نخست تحلیل مضمون، باید به تجزیه متن و جملات، با ملاک واحد و مشخص در جدول تقطیع شوند. همان‌گونه که بیان شد، این مرحله شامل چهارگام آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه، شناسایی مضامین و ترسیم اولیه شبکه مضامین است. مطالعه عمیق سوره طلاق نشان داد که این سوره را می‌توان در ۱۳ جمله تقطیع کرد که برخی آیات، واجد مضامینی مهم بودند که در نتیجه مطالعه و احصاء، ۷۵ مضمون پایه به دست آمد. در این بخش، به منظور درک بهتر استخراج مضامین از سوره طلاق، بخشی از جدول تحلیل مضمون آمده است:

ردیف	آیه	مضمون پایه	کد
۱		قوانین الهی در طلاق باید رعایت شود.	T1
۲		عدهٔ زنان در هنگام طلاق باید رعایت شود.	T2
۳	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَاحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ	عدهٔ طلاق زنان باید محاسبه شود.	T3
۴	رَبِّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ	حقوق زنان مطلقه باید تا پایان سر آمدن عده رعایت شود.	T4
۵	وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ	تقوا عامل اصلی رعایت حقوق زوجین در هنگام طلاق است.	T5
۶	يُحَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا	زنان را از خانه هایشان قبل از سر آمدن عده خارج نکنند.	T6
۷		زنان مطلقه، در مدت عده نباید از خانه شوهر خارج شوند.	T7
۸		در صورت گناه، زنان می توانند در زمان عده از خانه شوهر خارج شوند.	T8
۹		احترام زن در دوران عده حفظ شود.	T9
۱۰		رعایت احکام الهی موجب گشایش در امر زوجین است.	T10
۱۱		حقوق زنان هنگام سر آمدن عده باید پرداخت شود.	T11
۱۲	فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ	در پایان عده، راه حل اول طلاق نیست.	T12
۱۳	أَشْهَدُوا دَوَىٰ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ	هنگام سر آمدن عده زوجین می توانند به زندگی مشترک بازگردند.	T13
۱۴	بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...	وجود شاهد عادل هنگام جدایی زوجین لازم است.	T14
۱۵		ایمان به خدا و روز آخرت دو اصل مهم در رعایت قوانین الهی است.	T15
۱۶		مؤمنان با احکام الهی موعظه می شوند.	T16
۱۷		اعراض از قوانین الهی خروج از ایمان است.	T17

ردیف	آیه	مضمون پایه
۱۸	<p>وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا</p>	T18 تقوا و خودکنترلی موجب گشایش در مشکلات است.
۱۹		T19 هر کس باتقوا باشد، خداوند زندگی را برایش به صورت غیرمنتظره فراهم می‌کند.
۲۰		T20 امور با تکیه و توکل بر خداوند سامان می‌یابد.
۲۱		T21 نتیجه تقوا سعادت دنیوی و اخروی است.
۲۲		T22 رزق و روزی از جانب خداوند ضمانت شده است.
۲۳		T23 خداوند در همه امور کافی است.
۲۴		T24 تمام امور در حیطة قدرت الهی است.

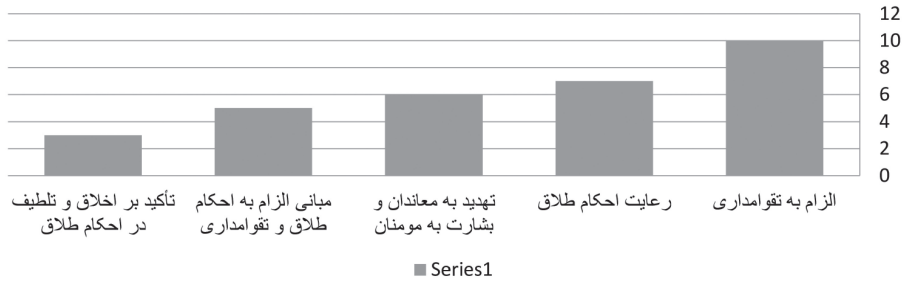
۲-۵. مرحله دوم؛ تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان دهنده

در این مرحله از پژوهش، باید به اعتباریابی^۱ و ارزشیابی^۲ پرداخته شود. (ر.ک: کرسول، ۱۳۹۴: ۲۴۷). بدین منظور دو گام ضرورت دارد: الف) تأیید اعتباریابی تحقیق توسط شخص محقق؛ ب) تأیید ارزشیابی تحقیق توسط متخصصان دیگر. بدین ترتیب، نویسندگان مقاله، دوباره همه آیات را تحلیل و کدگذاری و نتایج دو جدول را با همدیگر مقایسه کردند. همپوشانی نسبتاً بالای نتایج کدگذاری، بیانگر اعتباریابی پژوهش است. در گام بعدی نیز از دو پژوهشگر متخصص در روش تحلیل مضمون و آشنا به متون دینی خواسته شد تا سوره طلاق را بررسی نمایند؛ همپوشانی نتایج این بخش نیز ارزشیابی تحقیق را رسانده است. پس از اعتباریابی و ارزشیابی نتایج اولیه پژوهش، در مرحله دوم فرایند اجرای روش تحلیل مضمون، به تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان دهنده پرداخته می‌شود. دسته‌بندی مضامین پایه نشان می‌دهد که مجموعه این مضامین، در قالب ۵ مضمون سازمان دهنده، قابل تقسیم هستند:

۱. Validation

۲. Evaluation

مضامین سازمان دهنده سوره طلاق



مطابق این فراوانی، نیمی از محتوای سوره طلاق بیانگر الزام اخلاقی تقوا در اجرای احکام طلاق و در واقع، ضمانت اجرای طلاق، رعایت تقواست. به نظر می‌رسد، هدف خداوند متعال از سوره طلاق این باشد که با الزام تقوا، خودکنترلی، تهدید معاندان و بشارت به مؤمنان، اجرای احکام طلاق را به مخاطبان بیاموزد. ضمن آنکه مبانی الزام به احکام طلاق، تقوا و اخلاق‌مداری در طلاق را نیز سفارش کرده است؛ همچنین به نظر می‌رسد الزام به تقوا، در کنار موضوع تنشی طلاق، بیانگر آن است که قواعد حقوقی صرفاً برای تأمین سعادت جامعه؛ ولی هدف اخلاق، سعادت ابدی فرد است که فوق اهداف حقوقی خواهد بود. به عبارت دیگر، حقوق زوجین در طلاق الزامات تکلیفی و تشریحی و اخلاق متکلف، یعنی زوجین در طلاق، الزامات درونی اوست. خداوند متعال در سوره طلاق ضمن تکالیف الزامی در طلاق، احکام اخلاقی را بیان می‌کند و مسئولیت اجرای آن را به عهده وجدان فرد قرار می‌دهد، در آخرت نیز محاکمه انسان در اختیار خداوند متعال است. این امر، ارتقای ایمان را، و تعدی از این الزامات اخلاقی دوری از تقرب الهی را سبب می‌شود. بدین ترتیب، مطالعه دقیق جزئیات این سوره و استخراج الگوی حاکم بر این آیات، ضرورت دوجندان پیدا می‌کند که در ادامه، به منظور تحلیل کیفی یافته‌های پژوهش و ارائه الگوی بیان شده در سوره طلاق پیرامون اجرای طلاق میان زوجین، به تبیین این مضامین پرداخته می‌شود.

۶. یافته‌های پژوهش و الگوی اثر تقوا بر طلاق زوجین

همان‌طور که بیان شد، پس از تقطیع آیات سوره طلاق و استخراج مضامین پایه و دسته‌بندی آن‌ها، پنج مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شد که ذیل این مضامین بررسی می‌شوند:

۶-۱. الزام به تقوآمداری

بخش وسیعی از آیات سوره طلاق، درباره الزام به تقوآمداری می‌باشد. به طور کلی، برای نیل به اهداف و غایاتی که قرآن کریم برای انسان معین ساخته، رعایت الزاماتی که ضامن انجام تکالیف است، ضروری می‌باشد و بدون کسب این الزامات، تکالیف صورت نمی‌گیرد و یا دچار انحراف می‌شود. برای انجام طلاق میان زوجین، خداوند متعال در سوره طلاق، ضمن معرفی احکام این موضوع، به تقوا، توجه کرده است. تقوا از ماده «وقی» به معنای بازدارندگی و صیانت از آسیب‌ها می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱) تقوا در اصطلاح، حاصل یادآوری، بینش و بازداری (پسندیده، ۱۳۸۹: ۸۴) و همان کوشش‌های عقلانی فرد برای تنظیم رفتار و پیشگیری از آسیب‌هاست که در اصطلاح قرآنی، به معنای خوف از خدا و صیانت نفس از گناهان به کار می‌رود.

در علوم اجتماعی، معادل واژه «تقوا» خودکنترلی؛ به معنای خویشتنداری و کنترل رفتار، عمل و اندیشه خود توسط خویشتن و منبعث از بلوغ ذهنی و ارتقای انسان به مراحل برین است. (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۷۶: ۲/۷۱۷). به طور کلی، خودکنترلی توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با واقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چارچوب پذیرفته شده اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فرد دیگر است. (ر.ک: خاکپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۸) بدین ترتیب، خودکنترلی مستلزم مدیریت و مهار احساسات است؛ افراد خویشتن‌دار از ثبات هیجانی بیشتری برخوردارند و این ویژگی کارایی آن‌ها را افزایش می‌دهد (نوری، ۱۳۸۷: ۱۵۰) و نقشی مؤثر در بازداری از ارتکاب رفتارهای انحرافی اشخاص دارد. همچنین خودکنترلی توانایی پیروی از درخواست‌های معقول، تعدیل رفتارها مطابق با موقعیت و به تأخیر انداختن خواسته‌ها در چارچوب‌های پذیرفته شده اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فرد دیگری است. (قدیری، ۱۳۸۹: ۸۹)

در روانشناسی، مفهوم خودکنترلی در قالب دو اصطلاح خودنظم‌دهی و خودمهارگری مورد توجه قرار گرفته است. خودنظم‌دهی به تمرین کنترل بر خود، به منظور بازگشت به مسیر استانداردهای ترجیحی گفته می‌شود که شامل استانداردهای فکری، احساسی و رفتاری، انگیزش کاهش تناقض استانداردها، موقعیت و قدرت کافی برای تغییر است. (Hafmann, 2012: 174-180) خودمهارگری در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که افراد در آن به رفتارهایی سرگرم می‌شوند که بر کشش‌های بسیار نیرومند فائق آیند و تمایلات خویش را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که مستلزم متوقف نمودن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی بیشتر است. (رفیعی هنر، ۱۳۹۲: ۱۶۷) روان‌شناسان معتقدند سازمان‌های مذهبی، همچون منبعی بیرونی، می‌توانند در خودمهارگری‌ها بسیار مفید باشند. از این منظر، باورهای مذهبی سبب به تعویق انداختن لذت‌جویی، کاهش رفتارهای مجرمانه و کسب میزان بالایی از خودمهارگری است. به نظر برخی، در اسلام، خودمهارگری با هدف تنظیم افکار، رفتار، هیجانات و تکانه‌ها توسط افراد اهمیت دارد. اصلی‌ترین عامل خودمهارگری، عقل نام دارد که دارای دو جنبه شناختی به نام علم و جنبه بازداری و رفتاری به نام تقواست. (ر.ک: صالحی، ۱۳۹۱: ۸۶)

خداوند متعال در سوره طلاق، عامل اصلی رعایت حقوق زوجین را تقوا معرفی کرده است؛ در آیه نخست، پس از بیان احکام عده طلاق، با عبارت عام بر لزوم اتخاذ روش تقوامدارانه در خانواده تأکید شده است: «وَأَتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ» با توجه به سیاق آیه، مردان به سبب عهده‌داری حق نفقه، حق مسکن و حق رجوع به زن، ملزم به دقت در شمارش ایام عده هستند؛ لذا می‌فرماید: از خدایی که پروردگار و مربی شماست و دستوراتش ضامن سعادت شماست، پروا کنید. فرمان‌های او را به کار ببندید و از عصیان و نافرمانی‌اش بپرهیزید، به ویژه در امر طلاق و نگه‌داری حساب عده دقت به خرج دهید. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۲۲). این حکم اسلامی فلسفه بسیار مهمی دارد؛ زیرا علاوه بر حفظ احترام زن، غالباً زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق، و تحکیم پیوند زناشویی فراهم می‌سازد. بی‌توجهی به این حکم مهم اسلامی سبب می‌شود که بسیاری از طلاق‌ها به جدایی دائم ختم شود، در حالی که اگر این حکم اجرا می‌شد، غالباً آشتی و بازگشت مجدد رخ می‌داد. (همان)

در آموزه‌های سوره طلاق، الزام به تقوا و خودکنترلی، سبب محافظت انسان از حساب و عذاب شدید بیان شده است: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا...» تقوا درجه بلندی از ایمان به خداست که آدمی را به بهتر فهمیدن امر خدا و تسلیم شدن به او برمی‌انگیزد، پس مکمل عقل و خرد او به شمار می‌رود؛ همان‌گونه که مکمل ایمان و جنبه‌های روانی او نیز هست. بنابراین، تقوا بزرگترین عامل و موثقتترین ضامن برای گردن نهادن انسان به حق و ملتزم بودن به آن است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸۴/۱۶).

در سوره طلاق، موضوع خودمهارگری و خودنظم‌دهی کارکردهایی مهم دارد که در ادامه، به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۶. بیرون رفتن از تنگناها و پیدایش روزی غیرمنتظره؛ در آیه دوم و سوم، بعد از بیان احکام طلاق، تقوا و خودکنترلی موجب گشایش در مشکلات معرفی شده، به گونه‌ای که با تقوای الهی، خداوند نیازهای زندگی انسان را، به صورت غیرمنتظره، فراهم می‌کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ یعنی هر کس از محرمات الهی برای خشنودی خدا و ترس از او بپرهیزد و حدود آن را نشکند و حرمت شریعت را هتک نکند و به آن عمل کند، خداوند متعال برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌کند؛ راه نجاتی در دنیا و آخرت و رزق و روزی از جایی که انتظار ندارد. (ر.ک: سیدقطب، ۱۴۱۲: ۳۶۰/۶) یعنی سعادت دنیایی و اخروی او را فراهم می‌کند و همسر، مال و هر چیز دیگری را که مایه خوشی زندگی او و پاکی حیاتش باشد، از راهی که خود او گمان نکند و توقع نداشته باشد، به او روزی می‌فرماید؛ زیرا رزق را خدای تعالی ضمانت می‌کند و او از عهده ضمانت خود بر می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۴/۱۹)

۲-۶. آسان شدن امور؛ یکی از نتایج رعایت احکام طلاق، آسان شدن امور معرفی شده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (الطلاق: ۴) کسی که از خدا بترسد، خداوند برایش آسانی قرار می‌دهد؛ یعنی امور دنیا و آخرت را برایش آسان می‌فرماید یا فرجی دنیایی برایش می‌فرستد یا عوضی آخرتی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۴۶۲) و یا توفیق عمل خیر به او می‌دهد. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۲۱/۵)

۳-۱-۶. پوشاندن سیئات؛ در ادامه، رابطه تقوا و تکفیر گناهان مورد تأکید است:

«ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ» پیروی و امتثال او امر خدا مرحله‌ای از تقوا و اجتناب از محرمات هم مرحله‌ای دیگر از آن است. منظور از تقوا پرهیز از گناهان کبیره و منظور از سیئات گناهان صغیره و معنای تکفیر سیئات پوشاندن آن به وسیله مغفرت می‌باشد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۳۶) بنابراین، مخالفت احکام طلاق و عده، جزو گناهان کبیره به شمار می‌رود.

۴-۶. پاداش بزرگ؛ در پایان آیه ۵، خداوند متعال، با بیان اینکه متقین، در ازای اعمال نیک خود، پاداش چند برابری خواهند گرفت، به نوعی مشوق دیگری را برای رعایت تقوا بیان کرده است: «وَيُعْظِمُ لَهُ أَجْرًا»؛ یعنی همان‌طور که خداوند گناهان را می‌بخشد و پرده مغفرت بر گناهان صغیره می‌اندازد، پاداش آن‌ها را نیز چند برابر می‌کند.

۲-۶. رعایت احکام طلاق

مهم‌ترین موضوع این سوره، طلاق و احکام و خصوصیات آن است که در عباراتی کوتاه و پرمعنا بیان شده است. همچنین نگه‌داشتن عده زنان از شاخص‌ترین احکام طلاق به شمار می‌رود: «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ»؛ مقصود این است که صیغه طلاق زمانی اجرا شود که زن از عادت ماهیانه پاک شده و با همسرش نزدیکی نکرده باشد. (کریمی، ۱۳۸۲: ۵۵۸۱). زمان عده از روز طلاق حساب می‌شود که طبق آیه ۲۲۸ سوره بقره، عده طلاق باید به مقدار «ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (سه بار پاک شدن) باشد. از آن تاریخ، حساب عده را نگه می‌دارد تا سه بار حیض دیدن و پاک شدن که بعد از آن می‌تواند شوهر کند. (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۲۰).

یکی از قوانین طلاق آن است که مادامی که زنان در عده هستند، حکم زوجیت دارند و نباید از خانه شوهر بیرون بیایند تا زمینه‌ای برای طلاق رجعی باشد. (ر.ک: نجفی جوهری، ۱۳۶۲: ۱۱۸/۳۲) تا مرد مادامی که مدت عده به سر نیامده است و هر زمان که بخواهد، به زن خود رجوع کند، بدون آن که نیاز به عقد تازه‌ای باشد: «لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» لذا منظور از «من بیوتهن» همان خانه‌هایی است که زنان قبل از طلاق در آن سکنی داشتند. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲/۲۸۴) مگر آنکه گناهی ظاهر و فاحش از قبیل زنا یا ناسزا و یا اذیت اهل خانه مرتکب شوند.

(ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۵/۵) بنابراین منظور از «فاحشه» ناسازگاری، بدخلقی، بدزبانی و عمل منافی عفت است؛ و در آیه ۶ نیز به این موضوع توجه شده است: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ». به نظر می‌رسد، فلسفه این حکم بسترسازی برای رجوع و فراهم شدن زمینه آشتی باشد. به علاوه، اخراج زن از خانه، نوعی توهین و تحقیر در حق زن است؛ نیز در جدایی تدریجی، بیش از جدایی دفعی و یکباره، پای عقل، عاطفه، فکر و مشورت به میان می‌آید و امکان سازش فراهم می‌شود.

دیگر احکام سوره طلاق عبارتند از: همراهی دو شاهد عادل در طلاق، حرمت اضرار به زن و سخت‌گیری بر او، بیان مدت عدّه طلاق زنان یائسه و زنانی که عادت ماهانه نمی‌بینند، سه ماه و مدت عدّه طلاق زنان باردار، وضع حمل زن و وجوب پرداخت نفقه به زنان باردار مطلقه.

گفتنی است فلسفه حضور دو شاهد عادل در شرایط طلاق را می‌توان چنین بیان کرد: «این شرط که خداوند دستور فرموده، سودمندترین وسیله ایجاد صلح و آشتی میان زن و شوهر است؛ زیرا حضور انسان‌های اصلاح‌طلب می‌تواند برای ادامه زندگی در دل‌ها اثر گذارد و اگر هم اثر نگذاشت، می‌تواند از افزایش طلاق جلوگیری کند». (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۸۲/۷)

۳-۶. مبانی الزام به احکام طلاق و تقوآمداری

داشتن باورها و اعتقادات مشخص اولین اصل برای فعالیت هر انسان و مشخص‌کننده جهت حرکت و مشی فکری فرد و ضامن منحرف نشدن از مسیر و برنامه تعیین شده است. این باورها و اعتقادات تحت عنوان «مبانی» یاد می‌شوند. در آیات قرآن نیز، احکام الهی، بدون داشتن مبانی و ریشه فکری، عملی نخواهد شد. موضوع اجرای احکام طلاق، در نظام خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست. آموزه‌های سوره طلاق، مبانی مهمی را در ملزم شدن به احکام و تکالیف زوجین بیان کرده است:

۱-۳-۶. ایمان به خدا و روز قیامت؛ یکی از مهمترین مبانی در رعایت احکام الهی،

ایمان به خدا و روز قیامت است: «ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» این تعبیر، دلیل بر اهمیت فوق العاده این احکام است به گونه‌ای که اگر کسی آنها را رعایت

نکنند و از آن وعظ و اندرز نگیرند، گویی ایمان به خدا و روز قیامت ندارد. در پایان سوره نیز، به موضوع ایمان به عنوان مبنای اعتقادی افراد در اجرای احکام و تمسک به تقوا تأکید شده است: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا» (طلاق، ۱۱)

در واقع، احکامی که برای طلاق ذکر شده، حدود و مقررات الهی است و کسی که از احکام تجاوز کند، در حقیقت به خود ستم کرده است: «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» چرا که قوانین الهی ضامن مصالح خود مکلفین است و تجاوز از آن، خواه از ناحیه مرد باشد یا زن، لطمه به سعادت خود آنان می زند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۲۳) در ادامه نیز به فلسفه عدّه و عدم خروج زنان از خانه همسر اشاره می فرماید: «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» در واقع، با گذشت زمان، خشم و غضبی که میان زوجین ایجاد شده، فروکش کرده و با یادآوری عواقب طلاق، به ویژه زمانی که فرزند نیز داشته باشند، ممکن است زمینه برای رجوع فراهم شود.

۳-۶. توجه به اوصاف الهی؛ یکی دیگر از مبانی الزام به احکام طلاق و خودکنترلی، توجه به اوصاف الهی بیان شده در این سوره است که توکل یکی از آن اوصاف می باشد: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) کسی که بر خدا توکل کند؛ از نفس و هواهای آن، خود را کنار کشد؛ اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم نماید؛ خواست خدا را بر علایق خود برتری دهد؛ به عبارتی دیگر به دین خدا متدین شود و به احکام او عمل کند؛ چنین کسی خدا کافی و کفیل او خواهد بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۱۴) در واقع، وقتی انسان نتوانست بر مشکلات خود فائق آید، به خدا متوسل شود و خدا، در صورت مصلحت، به صورت استجاب دعا، مشکل او را برطرف و راه حل را به او الهام کند. تنها راه به جریان افتادن این امداد غیبی تقوای حقیقی است. (بهرامپور، ۱۳۸۷: ۲۸/۲۹۱) در ادامه، خداوند متعال تأکید می کند که تمامی امور در حیطة قدرت الهی است، کسی نمی تواند مانع کار او شود و وقتی خداوند حدود و اندازه هر موجودی را معین میکند، بنده متوکل هم یکی از موجودات است، او نیز از تحت قدرت خدا خارج نیست، پس، -اندازه ها و حدود او نیز به دست خداست: «إِنَّ اللَّهَ بِالْأَمْرِ قَدْرٌ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ لذا نباید در موقع بروز حوادث شتاب کرد و زبان به شکوه گشود یا بی تقوایی پیشه ساخت، بلکه باید، با نیروی تقوا و توکل به

خودکنترلی پرداخت تا خداوند مشکلات را حل کند.

خداوند، برای اینکه تنگی معیشت سبب خارج شدن از حق و عدالت در تأمین زندگی زنان مطلقه نشود و مردان شاکی نباشند، وعده می‌دهد که اگر شما بزرگواری و تقوا را رعایت کنید، مشمول رحمت می‌شوید و به زودی، خداوند متعال، بعد از تنگدستی و سختی، گشایش و رفاه می‌دهد: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق، ۷).

توجه دادن معرفت انسان به قدرت و علم الهی در پرتو آفرینش آسمان‌ها و زمین، یکی از موضوعات مهم در آیه پایانی سوره طلاق است تا انسان را با نعمت‌های الهی که همانا فرصت‌های انسان برای حرکت در مسیر بندگی و انجام فرامین الهی است، آشنا کند: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» به نظر می‌رسد، مهم‌ترین هدف خداوند متعال از پرداختن به آفرینش آسمان و زمین، اولاً، اشاره‌ی روشنی به عظمت قدرت الهی در وعده‌ی گشودن گره مشکلات مؤمنان و وعده‌ی ثواب عظیم و جاودان به مؤمنان باشد؛ زیرا روشن است، خداوندی که بر این آفرینش عظیم توانایی دارد، بر انجام آن وعده‌ها، در این جهان و جهان دیگر نیز تواناست. ثانیاً، علم انسان به قدرت خدا و علم مطلق او و در نتیجه، ایمان وی به این امر، همان عاملی است که تقوا و خویشنداری را در نفس جایگزین میکند که بر اساس آن، انسان از قدرت خداوند می‌ترسد و مراقبت او را بر خود حس میکند، پس، در آشکار و نهان، از معصیت و نافرمانی او خودداری می‌ورزد (ر.ک: مدرسی، ۱۴۱۹: ۸۹/۱۶) و به خودنظم‌دهی و خویشنداری می‌پردازد؛ پس، بر خردمندان مؤمن واجب است که از مخالفت امر خداوند بپرهیزند و با رعایت مراتب احکام طلاق، بر تقوا ملازم باشند؛ زیرا سنت خداوند قدیر علیم بر این جاری شده است که مطیعان او امرش را پاداش و معاندان را مجازات کند. (ر.ک: هود، ۱۰۲).

۴-۶. تأکید بر اخلاق و تلطیف در احکام طلاق

خداوند در این سوره، هنگام جدایی زوجین، روش اخلاقی را پیشنهاد کرده است که حاکی از عدم جواز تفرقه میان احکام فقهی و معارف اخلاقی و بیانگر آن است که صرف

عمل به احکام فقهی و جمود به خرج دادن بر ظواهر دین کافی نیست؛ زیرا این موضوع در حوزه خانواده، زندگی را سخت و ناگوار می‌کند؛ ولی همراهی اخلاق با این امور، روابط زناشویی را انسانی و کالبد مرده آن را حیات تازه خواهد بخشید و سبب زنده شدن روح مصالح تشریح می‌گردد: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ». این آیه به اصل معروف در هنگام جدایی زن و مرد تأکید می‌کند؛ بدین معنا که حتی طلاق و جدایی، نباید با نزاع، کشمکش و روح انتقام‌جویی آمیخته شود، بلکه باید براساس احسان و گذشت شکل گیرد. (بقره، ۲۲۹-۲۳۱) هنگام تصمیم مرد بر جدایی، انتظار می‌رود یا بهتر بگوییم، بر او واجب است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۲۷/۳) که یا به نیکی به زندگی مشترک بازگردد، یا همسر خود را به شایستگی طلاق دهد؛ یعنی همان‌گونه که زندگی مشترک با صلح مفروض و مطلوب است، جدایی نیز باید با اصول اخلاقی و انسانی همراه باشد. نکته شایان توجه اینکه سیاق این آیات درباره رعایت حقوق زوجین در زمینه طلاق است و جزو آیات حقوقی خانواده به شمار می‌رود، ولی در عین حال، خداوند ظرفیتی اخلاقی و عاطفی را در آیه فوق بیان کرده است. به نظر می‌رسد، همان‌گونه که قرآن کریم در واگذاری هر مسئولیتی بر صلاحیت فکری و اخلاقی فرد مسئول تأکید دارد، در مسئله سپردن ریاست خانواده به مرد نیز تأکیدها و تمهیداتی دارد؛ بنابراین، وی را، هنگام جدایی از زن، به معاشرت احسن و برحذر بودن از هر گونه «اضرار» و «تعدی» فراخوانده است. لذا مرد حق تحکم ندارد و باید براساس اصل عفو و فضل (بقره، ۲۳۷) در روابط خانواده رفتار کند که این همان تأکید بر اخلاق و تلطیف در حقوق است. (میرخانی، ۱۳۷۹: ۷۷)

یکی دیگر از الگوهای اخلاقی بیان شده حین جدایی، مشورت شایسته درباره فرزندان شیرخوار است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمُ فَسَرِّضْ لَهُ الْآخَرَى» مشورت یک امر حقوقی نیست که در صورت عدم پایبندی بتوان به تعقیب و محاکمه فرد پرداخت؛ ولی پدر و مادر، از نظر اخلاقی موظف به انجام آن هستند. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۸: ۲۷۳) مقصود آیه آن است که اگر بعد از جدایی، مادر حاضر شود فرزند خود را شیر دهد، اجرتی متناسب با مقدار و زمان شیر دادن، بر حسب عرف و عادت، به آنان پیردازید و کودکان را «وجه المصالحه»ی اختلافات خود قرار ندهید. درباره سرنوشت

فرزندان با مشورت یکدیگر و به طور شایسته تصمیم بگیرید و به مصلحت فرزندان بیندیشد و منافع نوزاد بی دفاع را فدای اختلافات و اغراض خویش نکنید. این موضوع بیانگر آن است که زنان مطلقه بچه دار، حتی پس از طلاق، شریک زندگی فرزند زوج هستند.

تأمین زندگی زنان، متناسب با تمکن مالی مرد، پس از طلاق و در زمان عده و عدم سخت گیری در این زمینه از دیگر الگوهای رفتاری-اخلاقی در هنگام جدایی است: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكْفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»؛ امر در این آیه متوجه توانگران است و انفاق از «سعه» به معنای توسعه دادن در انفاق است. مردان توانگر وقتی همسر بچه دار خود را طلاق می دهند، باید در ایام عده و ایام شیرخواری کودکشان، به همسر مطلقه و کودک خود از نظر مالی وسعت بخشند. همچنین شخص فقیر نیز، براساس توانش، از مالی که خداوند به او عطا کرده است، به ایشان انفاق کند. خداوند هیچ کس را تکلیف ما لا یطاق نمی کند، بلکه هر کس را به قدر توانایی اش تکلیف می فرماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۱۸-۳۱۹)

۵-۶. تهدید معاندان و بشارت به مؤمنان

یکی از مضامین شایع در سوره طلاق، تبیین پیامدهای موافقت و مخالفت با فرمان های الهی است. به طور کلی، یکی از روش های قرآن کریم در بیان موضوعات این است که بعد از ذکر سلسله دستورات عملی، به وضع امت های پیشین اشاره می کند تا به طور واضح، مخاطب نتیجه اطاعت و عصیان را در سرگذشت آن ها ببیند و مطلب شکل ملموس و حسی به خود گیرد. در سوره طلاق نیز خداوند، بعد از بیان احکام طلاق و الزام به تقوامداری در این موضوع، با بیان اندرزها از اقوام پیشین به تمسک احکام طلاق سفارش می فرماید. در این بخش، این مضمون فراگیر، در دو دسته مضمون سازمان دهنده پیامدهای موافقت با فرامین الهی و پیامدهای مخالفت با آن بیان می شود:

۱-۵-۶. پیامدهای موافقت با فرامین الهی

۱-۵-۶-۱. خارج شدن از ظلمات به سوی نور؛ تذکر و بیداری مردم، با تبیین

هدف بعثت انبیاء و ارسال قرآن، از پیامدهای موافقت با فرامین الهی در تمسک به احکام طلاق است: «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا * رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (طلاق، ۱۰-۱۱) مقصود از ذکر، پیامبر ﷺ است، به طوری که در روایات نیز این تفسیر بیان شده (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۱۳/۵)؛ زیرا رسول وسیله تذکر خدا و آیات او و راه دعوت به سوی دین حق است. بهترین راه برای نجات و خروج مردم، از ظلمات به نور، بیان و رساندن آیات الهی است تا به سوی نور ایمان و توحید و تقوا رهنمون شوند. نکته قابل توجه اینکه «یتلوا» به معنای خواندن و پیروی کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۳۴/۸) یعنی رسالت پیامبران و مبلغان دینی خواندن آیات برای مردم و پیروی خود از آن است تا الگوی عملی جامعه شوند.

۲-۱-۵-۶. وارد شدن به بهشت جاودان؛ بشارت مؤمنان به بهشت جاودان، یکی دیگر از نتایج عمل به احکام طلاق است: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» (طلاق، ۱۱) نتیجه تعلیم و تربیت مؤمنان در اثر ایمان به اصول توحید و کاربست عملی فرامین الهی و رسولش آن است که شایسته فضل پروردگار و مشمول رحمت و سکونت در جوار فضل او خواهند شد، به طوری که همیشه در آن جاویدان هستند؛ نظر به اینکه ایمان و تقوی صفت روانی و کمال جوهر انسانی و حقیقت مقام انسانی است، ذاتی او بوده و قابل تغییر و زوال و تبدل نخواهد بود. بر این اساس، هر گونه که پروردگار به فضل خود نعمتی در دسترس اهل ایمان و تقوی گذارد، همیشگی و لازم ذاتی و برحسب اقتضای ایمان آنان خواهد بود و زوال پذیر نبوده، چنان که سیرت ایمان و درخشندگی تقوای آنان نیز در عوالم دیگر زوالپذیر نخواهد بود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶/۴۴۳).

۳-۱-۵-۶- رزق نیکو؛ از دیگر نتایج موافقت و عمل به فرمان خداوند، رزق نیکو است: «قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (طلاق، ۱۱) تعبیر «رزقاً» به صورت نکره به عظمت و اهمیت روزی های نیکویی اشاره دارد که خداوند برای مؤمنان فراهم می فرماید و مفهوم وسیعی دارد که هر گونه موهبت الهی را در آخرت و حتی در دنیا نیز دربر می گیرد.



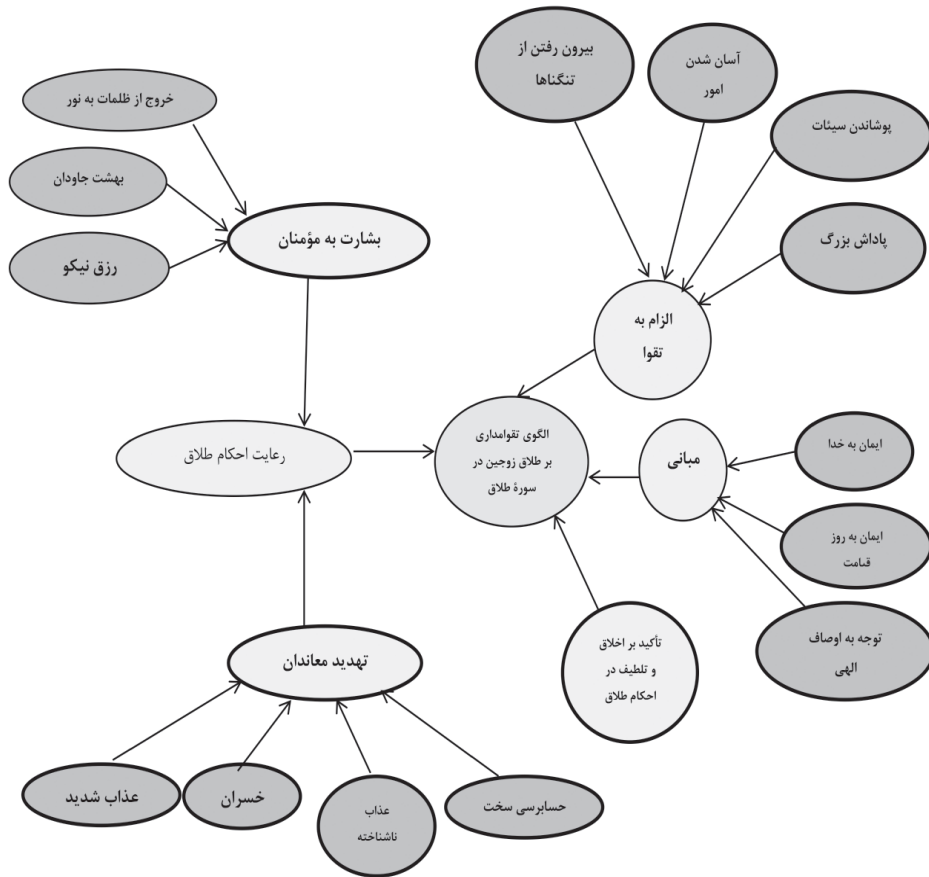
۶-۵-۲. پیامدهای مخالفت با فرامین الهی

۶-۵-۲-۱. حسابرسی سخت؛ در آیه ۸، نافرمانی در برابر خدا و رهبران الهی از عوامل سختی حساب و عذاب سخت دنیوی معرفی شده است: «وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرِيْبٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبُنَا حِسَاباً شَدِيداً» مقصود از «حساب شدید» حساب دقیق و توأم با سختگیری به منظور پاداش یا کیفر تمام دادن است، که این کیفر و پاداش با وضع صاحب عمل مطابق و مراد از این حساب، حساب دنیا است، نه حساب آخرت. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۲۴)

۶-۵-۲-۲. عذاب ناشناخته؛ یکی دیگر از آثار مخالفت با فرامین الهی، عذاب ناشناخته است: «عَذَابُنَا عَذَاباً نَكْرًا» «نکر»؛ یعنی ناشناخته و بی سابقه و (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۳) و مقصود، عذاب استیصال است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۴۶۵) همچنین از عذاب اقوام سرکش در این دنیا یاد می‌کند که گروهی با طوفان، گروهی با زلزله‌های ویرانگر، گروهی با صاعقه و مانند آن، ریشه‌کن شدند، و شهرها و دیار ویران شده‌اند آن‌ها درس عبرتی برای آیندگان ماند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۵۵).

۶-۵-۲-۳. خسران؛ از دیگر پیامدهای مخالفت با خداوند، خسارتی است که فرد دچار می‌شود: «فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا» (طلاق، ۹) بنابراین سرانجام سربیزی از فرمان خدا و رسول، خسارت است.

۶-۵-۲-۴. عذاب شدید؛ بعد از بیان کلی عذاب اقوام گذشته، خداوند در آیه ۱۰ به عذاب اخروی متمردان اشاره می‌فرماید و از مؤمنان می‌خواهد که از عتو و استکبار در مقابل امر پروردگار دور شوند؛ و بدین وسیله، به انذار مخاطب قرآن می‌پردازد: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا». در این آیه، مخاطبان را با دو صفت «صاحبان خرد» و «مؤمن» خطاب می‌کند و آنان را به تقوا فرامی‌خواند. این تعبیرات بیانگر آن است که ایمان و خرد، انسان را راهنمایی می‌کند و به عبرت‌آموزی فرامی‌خواند تا راه اقوام سرکش پیشین را نرود و خود را در عذاب دنیا و آخرت گرفتار نکند.



نمودار ۲: مضامین سوره طلاق

نتیجه گیری

این پژوهش با روش تحلیل کیفی «تحلیل مضمون»، به تحلیل سوره طلاق جهت استخراج الگوی حاکم بر آن پرداخت. نتیجه بررسی و مطالعه دقیق مضامین این سوره، استخراج ۷۵ مضمون پایه و دسته بندی آن‌ها در ۵ مضمون سازمان دهنده بوده است. حجم قابل توجهی از مضامین مستخرج از این سوره در موضوع تقوا و خودکنترلی و کارکردهای آن برای انسان بوده است. به نظر می رسد که خداوند متعال قصد داشته است تا علاوه بر مباحث حقوقی و تکلیفی طلاق، خویشتنداری را به بندگان در این موضوع

تنش زاسفارش فرماید. سازوکار خویشنداری طرفینی به مثابه بنیان اخلاقی در طلاق بدین گونه تبیین شد که پرهیزکاری و خودکنترلی از هوای نفس، بهبوددهنده در روابط زوجین است؛ زیرا فضایی برای تضییع حقوق باقی نمی‌گذارد؛ به طوری که زوجین با رضایتمندی از هم جدا می‌شوند. در مسائل حقوقی، چون طلاق، صرف عمل به حقوق و تکالیف کافی نیست؛ بلکه موضوع عاطفی طلاق از جمله موضوعات روحی-روانی و حوزه آن فراتر از حوزه تکالیف اجتماعی و حقوقی خواهد بود. جامعه‌ای سعادت‌مند است که افراد آن علاوه بر اجرای احکام حقوقی، به ارزش‌ها پایبند باشند؛ اینکه برای جهان، مبنایی الهی و هدفی ماورایی در نظر گیرند، حتی اگر کسی انسان را نبیند یا انجام آن احکام به ضرر او باشد؛ در این صورت است که اخلاق و تقوا برای آنان برجسته شده، ملزم به اجرای آن احکام در سطوح عالی می‌شوند.

از سوی دیگر، تمسک به آموزه‌های متعالی قرآن، به دلیل برخورداری از بُعد اخروی و تنظیم رغبت‌ها بر اساس ارزش‌ها، نگرش افراد را در این موضوع جهت می‌دهد. ایمان به خدا و روز قیامت و توجه به اوصاف الهی چون توکل و علم خداوند، به عنوان کنشگر اساسی در این سوره، زوجین را در برابر عرصه‌های چالش‌زای طلاق توانمند می‌کند و این، موجب کاهش تنیدگی میان آنان می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

۱. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بعثت.
۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۸۷)، *نسیم حیات*، چاپ سوم، قم: آوای قرآن.
۴. پسندیده، عباس (۱۳۸۹)، *اخلاق پژوهی حدیثی*، تهران: سمت.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام.
۶. حسنی همدانی (۱۴۰۴)، *انوار درخشان*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی.
۷. حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نورالتقلین*، قم: اسماعیلیان.
۸. خاکپور، حسن و همکاران (۱۳۹۳)، «کارکردهای تربیتی خودکنترلی و نقش آن در سلامت روان از دیدگاه قرآن و روایات»، *فصلنامه تاریخ پزشکی*، سال ۶، شماره ۲۱.
۹. رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۲)، «اسلام، اخلاق و خودمهارگری روان‌شناختی»، *فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی*، سال اول، شماره سوم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، *تفسیر قرآن مهر*، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۲. سید قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، *دایرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
۱۴. صالحی، علی محمد (۱۳۹۱)، *اتریشی ذکر خدا بر خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، قم: هجرت.
۱۸. فضل‌الله، محمد حسین (۱۴۱۹)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک.
۱۹. قدیری، محمد حسین (۱۳۸۹)، «خودکنترلی کودک، خمیرمایه خودکنترلی اخلاقی»، *نشریه راه تربیت*، شماره ۱۱.
۲۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. کریمی، عباس (۱۳۸۲)، *تفسیر علیین*، قم: اسوه.
۲۲. کرسول، جان (۱۳۹۴)، *پویش کیفی و طرح پژوهش*، مترجمان: حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: نشر صفار اشراقی.
۲۳. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹)، *من هدی القرآن*، تهران: دارالمحبی الحسین.

۲۴. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، *تفسیر کاشف*، قم: بوستان کتاب.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مهدوی کنی، صدیق (۱۳۸۸)، *ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۷. نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. نوری، نجیب الله (۱۳۸۷) «بررسی پایه‌های روانشناختی نشانگان صبر در قرآن»، *فصلنامه روانشناسی دین*، سال ۱، شماره ۴.
۲۹. Attride-stirling, J. (۲۰۰۱). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol ۱, No ۳, Pp ۴۰۵-۳۸۵.
۳۰. Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۶), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. ۳, No. ۲, Pp. ۱۰۱-۷۷.
۳۱. Hofmann, W., Schmeichel, B.J., & Baddeley, A.D. (۲۰۱۲), "Executive functions and self-regulation". *Trends in Cognitive Sciences*, ۱۸۰-۱۷۴, (۳)۱۶.